



4 از طرف یوحنا تقدیم به هفت کلیسای استان آسیا: فیض و سلامتی از جانب خدا، او که هست، بود و خواهد آمد و از جانب هفت روح که در پیشگاه تخت پادشاهی او هستند. 5 و از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین، آن نخستزاده از مردگان و فرمانده پادشاهان زمین به شما فیض و آرامش باد. او ما را دوست دارد و با خون خود ما را از گناهانمان آزاد گردانید. 6 و ما را به سلطنت رسانید تا به عنوان کاهنان، خدا یعنی پدر او را خدمت کنیم. او را تا به ابد جلال و قدرت باد، آمین. 7 ببین او با ابرها می‌آید! همه و از جمله آن کسانی که به او نیزه زدند، او را خواهند دید و همه اقوام جهان به خاطر او سوگواری خواهند کرد. آری، چنین خواهد شد! آمین. 8 خداوند خدا می‌گوید: «من الف و یاء هستم، خداوند متعال که بود و هست و خواهد آمد.»

خدا برای همیشه وجود دارد. و هم در زمان قدیم، حال و آینده. خدا قابل اطمینان کردن است و محبت او همیشه ماندگار است. من برای خودم این ارزو را دارم که خدا را در زندگی خودم نزدیکتر ببینم. و ارزو داریم که از طریق خداوند تاثیر بیشتری بر روی انسان‌ها بگذاریم. من ارزو دارم که از طریق خدا نیروی بیشتری بگیرم تا زندگی خودم را تغییر بدهم. من ارزو می‌کنم که در این دنیای وحشی خدا را بتوان بیشتر حس کرد. حتی وجود خدا را در کلیسا و در زندگی خودم دوست دارم که قرار داشته باشد. جایی که من مردد هستم و یا جایی که زندگی من به ته خط رسیده است. چقدر زیبا می‌شود که اگر خدا در نزد من باشد حتی در زمان بیماری و یا زمانی که مرگ مرا می‌ترساند. در این زمان دوست دارم که خدا دست من را بگیرد و بگوید که همه چیز خوب می‌شود. ولی من در اینجا این خدای قادر مطلق را نمی‌توانم ببینم و حس نکنم. او همه چیز این هستی است. ولی من نمی‌توانم همه این نیروها را از او دریافت کنم زیرا من خودم را از او جدا می‌بینم. او همیشه وجود داشته است ولی زندگی من از زمان تولد تا مرگ خلاصه شده است. خدا می‌تواند از هیچی چیزی را بیافریند. و هر راه حلی را در این جهان در خود دارد. در حالی که ما انسان‌ها در هر مشکلی بدون راه حل باقی می‌مانیم و به خودمان فقط می‌نگریم. زیرا ما آفریده‌ها را هر روز از بین می‌بریم و آنها را به نیستی می‌کشانیم. خدایی که از اول بوده و در حال و آینده وجود خواهد داشت کلیسای خودش را بنا نهاد. او توسط عیسی و با مرگ و رستاخیز کردن او بزرگترین دشمن ما را از بین برد. و او به شاگردانش نیروی روح القدس را هدیه می‌دهد به طوری که آنها با تمام قدرت و به همه زبان‌ها انجیل را به همه انسان‌ها ابلاغ دارند. ولی من در کلیسای خودم فقط ضعف‌ها را می‌بینم. ما به دنبال تردیدهای خودمان قرار گرفته ایم زیرا ما نتوانسته ایم جوانان خودمان را به این ایمان مشتاق کنیم. بنابراین سکوتی در انجا جاری می‌شود و سخنی دیگر از عیسی به میان نمی‌آید. قدرت و بدون قدرت. اینها چیزهایی هستند که من با توجه به آنها به سوی روز صعود به آسمان می‌روم. دارا بودن قدرت و بدون آن همیشه ما مسیحیان را در طول زندگی همراهی کرده اند. ما اینها را می‌توانیم در اولین مراسم صعود به آسمان ببینیم. در آن زمان‌ها اولین شاگردان توانستند خدا را به صورت جسمی حس کنند. آنها با چشمهای خودشان می‌توانستند او را ببینند و لمس کنند. و بعد از مرگ او، عیسی توانست رستاخیز کند و بر مرگ و شیطان و گناه غلبه کند. و این خدایی که قدرتمند تر از همه است در جلوی چشمهای ان شاگردان به آسمان صعود می‌کند. زمانی که ان شاگردان خدای خودشان را می‌دیدند که به آسمان رفته است این حس می‌شد که خدا دوباره ما را ترک کرده است. و همه چیز بایستی همانند قبل از ظهور عیسی که رواج داشت باید ادامه یابد. و این سوال برای ما مسیحیان باقی می‌ماند که حال ما بدون عیسی باید چکار کنیم؟ من از برخی این را می‌شنوم که می‌گویند: حال دیگر عیسی وجود ندارد و الان ما دیگر تصمیم می‌گیریم. و ما باید کاری را بکنیم که عیسی قصد داشت انجام بدهد و او برای ما یک الگویی بجا گذاشته است. ما باید همه چیز را برای عیسی انجام بدهیم زیرا او غایب است. و چون که او دیگر نمی‌تواند اثری داشته باشد بنابراین ما برای او اعمالش را انجام می‌دهیم. ولی زمانی که من قصد دارم که اعمال عیسی را انجام بدهم این را حس می‌کنم که من از عهده ان کارها بر نمی‌آیم زیرا من قدرت کافی در برابر مرگ، گناه و شیطان را ندارم تا در برابر آنها پیروز بشوم. من نمی‌توانم همه چیز زندگی خودمان را برای ان افرادی که دوست دارند از انجیل بشنوند بازگو کنم. و

بدین ترتیب من چیزی را حس می‌کنم که به من می‌گوید که ما خیلی بدون قدرت هستیم و از عهده این کار به تنهای بر نمی‌آییم. این افراد این را خوب متوجه شده‌اند که آنها نمی‌توانند این اعمال را انجام بدهند. و جایی که من نمی‌توانم کاری را بکنم پس باید در جای خودم بشینم و به آسمان‌ها خیره بشوم. این ضعف را در خیلی از افراد می‌توان دید و آنها می‌گویند که آنها هیچ ایمانی ندارند که انجیل را به دیگران مژده دهند. بعضی‌ها هم این را می‌گویند که افرادی هم پیدا می‌شوند که نمی‌خواهند و نمی‌توانند این را متوجه شوند که خدا در زندگی ما چه معنی دارد. قبل از اینکه عیسی به آسمان صعود کند این را به همه می‌گوید: بروید به تمام قوم‌ها این پیام انجیل را برسانید. او همچنین می‌گوید: من در کنار شما تا آخرین روز این هستی قرار دارم. شاگردان عیسی به آسمان و به عیسی نگاه می‌کردند آنها تا آخرین نشانه‌های او در آسمان نگاه می‌کردند. و این همان چیزی است که در انجیل نوشته شده است و چیزی است که ما باید در باره عیسی بدانیم. و برای اینکه ما می‌دانیم عیسی در انجیل وجود دارد ما هم تکالیف مان را بر طبق آن انجام می‌دهیم. ما بدون وجود عیسی زنده فقط خودمان را خواهیم داشت و ما بدون امید خواهیم شد و با قوانین زمینی خودمان سرگردان خواهیم شد. من دوست دارم که نیروی خدا را در زمان بشارت دهنده‌گی خودم بیشتر حس کنم. چقدر این زیبا می‌شد که خدا از آسمان یک نشانه‌ای به ما هدیه می‌داد. و یا نشانه‌ای دیگر را دریافت می‌کردیم تا همه این را می‌دیدند و می‌فهمیدند که ما هیچ چیز بی‌خودی را ترویج نمی‌دهیم و ما از خدای زنده و حقیقی سخن می‌گوییم. ما خواهر و برادرهای زیادی را در اطراف مان داشته‌ایم. یوحنا هم با این افراد زمانی که به جزیره‌ای تبعید شده بود قرار داشت. دیگر شاگردان آن کلیسا مجازات شده بودند و تعداد زیادی از کلیسا مرده بودند. و یوحنا در این جزیره یک سلام خاصی از طرف خدا دریافت می‌کند. برکتی از طرف کسی که بود و هست و خواهد آمد. خدا می‌خواهد که با کلیساها صحبت کند و به آنها بگوید که من برای همه شما حاضر دارم. و برای همین او همیشه از عدد 7 بیان می‌کند. 7 کلیسا، هفت روح یا هفت چشم. عدد هفت به معنی تکامل و کامل شدن است. بنابراین خدا هفت روح ندارد بلکه او در هفت روح متفاوت در یک لحظه حضور دارد. و با هفت کلیسا منظور تمام کلیساها می‌باشند. افراد آن کلیسای قدیمی همانند کلیساهای امروزی تحت تعقیب قرار داشتند و دارای مشکلات زیادی بودند. و ما حتی امروز نمی‌دانیم که فردای ما چه می‌شود. ولی در آنجا عیسی خودش را نشان می‌دهد. هفت چشم به این معنی است که عیسی با دیدی کامل بر ما مواظب ما می‌باشد و ما را به خانه ابدی هدایت می‌کند. چیزی که ما از این داستان متوجه می‌شویم این است که خدا در پشت ابرها باقی نمی‌ماند. او خودش را نمایان می‌سازد و به این دنیا پا می‌گذارد. این اشتباه است که اگر فکر کنیم که عیسی با صعود به آسمانش از ما دیگر جدا شده است. خیر او از آن بالا بر همه چیز ما اشراف دارد تا بدین وسیله ما بتوانیم به او ایمان و به او تعلق داشته باشیم. این واقعیت را ما می‌توانیم برخلاف اتفاقات روی دهنده این دنیا ببینیم. در این دنیا ما فجایای و جنگ‌های زیادی را تجربه می‌کنیم. ولی باید این را بدانیم که بالای همه چیز عیسی قرار دارد. همه چیز در دست‌های عیسی قرار دارد و چیزی از او پنهان نمی‌ماند و همه چیز طبق خواست او انجام می‌شود. این عیسی بعنوان پادشاه در این هستی قرار دارد. او همچنین به عنوان یک روحانی برای ما وجود دارد. او در این دنیا به عنوان یک پادشاه به ما این را نشان می‌دهد که همه این رویدادها یک نمایشی است که به پایان می‌یابند و همه چیز در انتها به او ختم می‌شوند. او به عنوان یک کشیش به ما می‌گوید که او از طریق خون خودش گناهان ما را خریده است و ما با آن یک حقی برای حضور در بهشت در نزد خدا پیدا می‌کنیم. و اگر در زندگی شخصی ما مشکلات زیادی داشته باشیم باید این را فراموش نکنیم که خدا برای ما یک برنامه و هدف و پایان خوبی را در نظر گرفته است. هدفی که عیسی با ما دارد را یوحنا به ما نشان می‌دهد. خدا یک بار از جای پنهان خودش بیرون می‌آید و همه آن عیسی به صلیب کشیده شده را می‌بیند. چه زمان خوبی است که اگر ما خدا را برای یک بار هم که شده ببینیم. ما می‌خواهیم در این روز دعا بکنیم و همه تلاش مان را بکنیم تا ما و دیگران هم برای رسیدن به چنین روزی خوشحالی بکنند. و برای همین ما امروز اینجا جمع شده‌ایم. آمین